



از ترور تاربايش؛ زنان محور همه چیز

ساراموینی

چاردیواری

کسی فکرش را نمی‌کرد که سال‌ها پس از آن که خواهران میرابال از مبارزان انقلابی علیه دیکتاتور زمان خود که بعد از شکنجه‌های فراوان ترور شدند، سریالی با موضوع اصلی ربودن زنان و شکنجه‌های روحی و جسمی آنان در منطقه‌ای حفاظت‌شده ساخته شود.

خواهران میرابال و همسران‌شان به دلیل فعالیت‌های سیاسی و انقلابی علیه تروخیو، دیکتاتور جمهوری دومینیکن تحت تعقیب دولت بودند. هر سه خواهر در دوران مبارزه، بارها زندانی و شکنجه شدند تا این‌که در ۲۵ نوامبر ۱۹۶۰ در یک «تصادف برنامه‌ریزی شده» ترور شدند. هر سه سوار بر ماشین بودند و برای ملاقات همسران‌شان در زندان، به قتل رسیدند. آنها به نمادی علیه قربانی شدن زنان تبدیل شدند.

۲۱ سال بعد در همایشی در بوگوتا، پایتخت کلمبیا که مدافعان حقوق زنان در آمریکای لاتین حضور داشتند، پیشنهاد شد روز قتل خواهران میرابال، روز جهانی «مبارزه با خشونت علیه زنان» نام‌گذاری شود.

هدف از این نام‌گذاری ادای احترام به تلاش و جسارت این خواهران بود تا جامعه جهانی هم بیش از پیش توجهش به مسأله نپی خشونت

علیه زنان جلب شود. ۱۸ سال بعد در سال ۱۹۹۹ سازمان ملل ۲۵ نوامبر را روز جهانی مبارزه با خشونت علیه زنان اعلام کرد. گرچه نزدیک به ۴۰ سال طول کشید تا به یاد تلاش خواهران میرابال، روزی به نام آنها برای مبارزه با خشونت علیه زنان اعلام شود، اما قتل آنها باعث شد جنبش ضد تروخیو به حرکت درآید و در عرض یک سال، دیکتاتوری‌اش به پایان برسد.

سریال «سرگذشت یک ندیمه» محصول آمریکا و یکی از سریال‌های با محبوبیت بالا در میان مخاطبان که ساخت آن از سال ۲۰۱۷ شروع شده، بنابر سخن کارگردان آن، برگرفته از رمانی با همین نام، نوشته مارگارت اتوود در سال ۱۹۸۵ است. داستان سریال درباره اعلام وضعیت فوق‌العاده در آمریکا در پی نازایی زنان، بحران‌های زیست‌محیطی، افزایش آمار همجنس‌خواهی، ترور رئیس‌جمهور و تمامیت‌خواهی دولتی مسیحی در منطقه‌ای محافظت‌شده به نام گیلیاد است که زنان با توانایی باروری دزدیده و به این منطقه فرستاده می‌شوند تا با نام ندیمه به ثروتمندان فروخته شوند و تولید نسل کنند.

در داستان سریال تفکر این دولت مسیحی این‌طور بازنمایی می‌شود که مهم نیست زنان از خانواده، همسر، فرزند، شغل و حرفه و تمام ارزش‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جامعه جدا و ربوده شوند بلکه مهم این است که زاد و

ولد با برده‌داری جنسی افزایش پیدا کند. این تصویر اشتباه، زننده و نامطلوب جامعه بشری دوران مدرن است. گرچه زن، نماد باروری، زایش و زندگی است اما این رویکرد در نهاد خانواده و جامعه سالم معنای خود را پیدا می‌کند، نه در فضایی سرد، اجباری، خشن و اصطلاحاً بردگی جنسی.

تمام انواع خشونت علیه زنان در بعد اجتماعی، فردی و روانی و فرهنگی در داستان این سریال، بازنمایی شده است. «آزار جنسی» مثل تجاوز، بارداری اجباری، عقیم کردن زنانی که سودای انقلاب و فرار در سرداشتند یا عقیده‌ای به غیر از عقیده حاکم بر گیلیاد دارند، ازدواج در سنین کم؛ «آزار فیزیکی و جسمی» مثل خشونت، دعوا، ضرب و شتم، تعرض، قاچاق و ربایش؛ «آزار روانی و کلامی» مثل نگاه‌های خیره، فحاشی، بهره‌کشی، خشونت‌های عاطفی و... همگی در قالب روایت، داستان و شخصیت‌پردازی‌های مختلف این سریال، بازنمایی شده است.

پس از سکانس‌های شوکه‌کننده اولیه سریال در قسمت‌های اول، پس از آن تصویری آرام با زندگی سالم (مثلاً به سلامت تغذیه بردگان جنسی در سریال توجه می‌شود) در گیلیاد از بردگان جنسی نشان داده می‌شود، به طوری که چند نفر از زنان، این نوع زندگی را پذیرفته و به آن خو می‌گیرند. در حالی که تماماً در نگاه و کلام بیشتر شخصیت‌ها

در نقش‌های بردگان جنسی آثار خشونت پنهان، عقده، رنج و عذاب دیده می‌شود. در واقع سریال با ایده دست‌یابی به یک «هدف» در جهت افزایش جمعیت و باروری، حیات و ادامه بقای نسل بشر، «وسیله» ربودن زنان و جدا کردن آنان از خانواده، همسر و فرزندان‌شان را پیشنهاد می‌کند. همین جمله پوچی و عبث بودن این ایده را نشان می‌دهد: رسیدن به باروری و خانواده با نبودکردن خانواده آن هم با دست گذاشتن روی زن.



آنچه ناخواسته در «سرگذشت یک ندیمه» دیده شد



حالی است که زن، محور زندگی و نهاد خانواده و پیشرفت در تمام جوامع بشری است که خیلی پیشتر از اینها در گفتمان غرب با زورق آزادی و برابری، تبدیل به یک ابزار و کالای جنسی شد.

حالا برای راهی از این پسرفت، تلاش می‌کند در تولیدات تصویری خود مثل سرگذشت یک ندیمه دست به نابودی خود زده و ناخواسته به این اعتراف کند که عقاید و ارزش‌های خودساخته تجاری، سیاسی و فرهنگی که نسبت به نوع زن برجسته کرد همگی خشونت پنهانی نسبت به زنان در تمدنش دارند که تبعات آن آرام آرام دامن خودش را می‌گیرد.

شاید برای تان جالب باشد که در ادبیات نشانه‌شناسی فیلم و سینما، «زن» نماد وطن است. قداست، ارزش و احترام دارد و هرچا تصویر مغموم، زجرکشیده، ناامید و ضعیفی از زن ارائه شود، در واقع اشاره‌ای غیرمستقیم به ضعف و شکست آن وطن است.

با این‌که آمریکا و تمدن غرب ید طولایی در مبارزات فمینیستی و حقوق زنان دارد اما ایده ساخت و انتشار سریال «سرگذشت یک ندیمه» با تمام حواشی آن که برخی منتقدان معتقدند، یک نوع آینده‌نگری در خود دارد، ایده‌ای از جانب ضعف و نمایش نقطه ضعف و خسران خود غرب دارد. تمام سریال حول محور ربودن، تجاوز و خشونت علیه زنان است.

رئیس‌جمهور آمریکا ترور شده (بحران سیاسی)، بسیاری از زنان و مردان در پی آلودگی‌های زیست‌محیطی عقیم شده‌اند (بحران زیست‌محیطی) و اغلب خانواده‌ها تک‌فرزند هستند (بحران فرهنگی و خانواده) و حالا گروهی از افراطیون تصمیم گرفته‌اند برای بقای نسل بشر در آمریکا، دست به تعدی، تجاوز، اعدام و کشتار زنان بزنند.

در واقع سریال نشان می‌دهد که غرب در پوچگرایی محضی از باورها و عقایدش غرق شده و برای نجات خود، دست به خودتخریبی (تجاوز به زن در نماد وطن) می‌زند. این در

مبارزه با باطل از پذیرش حق شروع می‌شود

عقیده‌ای که «پادآرمان‌شهر» یا ویران‌شهر «گیلیاد» در سریال «سرگذشت یک ندیمه» بر مبنای آن ساخته شده است، حق نداشتن زندگی زنان است. خشونت عریان نسبت به زنان در فیلم تصویرسازی شده و گاه تماشای آن را برای مخاطب سخت می‌کند. قهرمان این سریال زنی به نام «جون آربورن» است. او پیش از ربوده شدن توسط ماموران گیلیاد و ندیمه شدن، یک همسر، مادر، کارمند، دختر، دوست و شهروند بود که پس از ربوده شدن به یک ابزار برای هدف گیلیاد تبدیل شد. هویت، نقش‌هایی که پیش از این در زندگی خود داشته و حتی اسمش از او گرفته می‌شود. در واقع تمام زنان ربوده شده به صرف «زن بودن» قربانیان ایده گیلیاد هستند.

این مسأله زمانی تلخ و سخت‌تر می‌شود که دیگر زنان به دنبال آرمان‌هایی چون عدالت، پیشرفت، حضور اجتماعی و... نیستند، بلکه به دنبال این هستند که کنترل جسم و جان و حقوق اولیه خودشان را داشته باشند. سریال در عین این‌که تصویری از انعطاف بسیار بالای زنان برده نشان می‌دهد با پذیرش باطل، خرد می‌شوند، طرد می‌شوند و مورد تجاوز جسمی و روانی قرار می‌گیرند، در مقابل شخصیت اول را نشان ما می‌دهد. «جون» زنی قوی، صبور و انتقامجو، غیرقابل پیش‌بینی و مبارز است. او زنی است که نه تنها ناامید و پذیرنده شرایط جدید در بردگی جنسی نیست، بلکه با صبوری و سکوت، پس از به‌دست آوردن دانش و شناخت حق از باطل، برای پیشرفت در محیطی کاملاً تحت سلطه ظلم و باطل، دست به هر کاری می‌زند تا بتواند به خانواده‌اش، همسرش و فرزندش برگردد و باطل بودن ایده گیلیاد را به جهان نشان دهد.